

نظرات حضار در جلسه

میهمانان حاضر در این نشست به نحو ذیل به ایراد نظر در مباحث مطروحه پرداختند:

ادله قانونی و ادله نوین علمی در جرایم حدی

دکتر محمدی کشکولی

دلایلی که در این پرونده جمع‌آوری شده، از ادله سنتی، خارج و از طریق آزمایش DNA به پرونده رسیدگی شده است. قانون مجازات اسلامی در جرایم حدود و قصاص، از نظام ادله قانونی پیروی کرده است.^۱ برای اثبات این نوع جرایم، دادگاه باید به دلایلی که در قانون آمده، رجوع کند. از آنجا که بنا به ادعای مطرح‌شده، زنا با شرایط احصان بود و دلایل شرعی و قانونی از ناحیه مدعی به دادگاه اقامه نشد، برای متهمین از حیث زنا حکم برائت صادر گردید. مطابق مقررات ماده ۷۳، «زنی که همسر ندارد، به صرف باردار شدن مورد حدّ قرار نمی‌گیرد؛ مگر آنکه زنی او با یکی از راه‌های مذکور در این قانون، ثابت شود».^۲ با توجه به اینکه فقط اقرار در حد رابطه نامشروع وجود داشت دادگاه مبادرت به صدور حکم محکومیت در حد داشتن رابطه نامشروع نمود.^۳

عدم امکان تجدیدنظرخواهی مدعی خصوصی از آراء دادگاه کیفری استان،

در غیر موارد ضرر و زیان

شاکای از حکم برائت متهمین نسبت به زنا، درخواست تجدیدنظرخواهی کرد. دیوان عالی کشور در مقام تجدیدنظرخواهی، به استناد تبصره ۵ ماده ۲۰ قانون احیای دادرسی^۴ قرار رد تجدیدنظرخواهی در این پرونده را صادر نمود.

۱. «نظام ادله قانونی» سیستمی است که در آن دلایل و ارزش اثباتی هرکدام، از قبل در قانون مشخص شده است و در صورت وجود آنها قاضی موظف است مطابق مفاد آنها رأی صادر کند. برای اطلاع بیشتر نک: علی خالقی، آیین دادرسی کیفری (مبحث ارزیابی دلایل).

۲. مفاد این ماده در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، در ماده ۱۲۱ به این صورت انعکاس یافته است: «در جرایم موجب حد، به استثنای محاربه، افساد فی الأرض، سرقت و قذف، به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل، حسب مورد، جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود».

۳. موضوع ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی، کتاب تعزیرات.

۴. تبصره ۵ ماده ۲۰ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۸۱: «اشخاص ذیل می‌توانند از رأی دادگاه کیفری استان، تقاضای تجدیدنظر نمایند: الف - محکوم‌علیه یا نماینده قانونی وی؛ ب - دادستان؛

ج - مدعی خصوصی یا نماینده قانونی وی، از حیث ضرر و زیان».

گزارش نشست نقد رأی:

بررسی ادله اثبات جرم زنا (آزمایش DNA)

تهیه و تنظیم: پژوهشگاه قوه قضاییه

در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۷ جلسه‌ای با موضوع «نقش آزمایش ژنتیکی برای تعیین رابطه ابوت در اثبات جرم زنا» در دانشگاه امام صادق (ع)، با حضور آقایان: دکتر کوشا (عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی)، دکتر بهره‌مند (عضو هیأت علمی دانشگاه تهران)، دکتر قره‌داغی (سازمان پزشکی قانونی) و دکتر محمدی کشکولی (رئیس شعبه ۷۹ دادگاه کیفری استان تهران) برگزار شد. مشروح مطالب طرح‌شده در جلسه تقدیم می‌گردد.

۱. وقایع پرونده

فردی به نام آقای (ن.م.) بعد از طلاق، شکایتی علیه همسر سابق خود طرح می‌کند مبنی بر اینکه: وی پیش از طلاق با آقای که در حال حاضر با او ازدواج کرده است، رابطه نامشروع داشته و فرزند دختری که پیش از جدایی از زن، متولد شده، متعلق به او (شاکای) نیست. آزمایش DNA، انتساب فرزند به همسر دوم خانم را اثبات می‌کند، اما از لحاظ کیفری، اثبات زنا و محکومیت به حد، نیازمند ادله دیگری است که آزمایش مذکور در این خصوص اعتبار لازم را ندارد. در نهایت، فقدان اقرار و ارائه شهود، به صدور حکم برائت از اتهام زنا منجر می‌شود. رابطه نامشروع نیز، نه به استناد نتیجه آزمایش، بلکه براساس اقرار متهمین نزد شاکای و اقوام آنها اثبات می‌شود؛ گرچه این اقرار نزد دادگاه صورت نگرفته است و صرفاً شهودی بر وجود این اقرار، شهادت داده‌اند. همچنین توضیحات خانم درباره علت بارداری، از قرآنی است که علم قاضی را به سوی حکم به مجرمیت سوق داده است.



شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور در دو سال اخیر این رویه را برای نخستین بار به رسمیت شناخت. بدین صورت که شاکی نمی‌تواند از حکم برائت صادر شده توسط دادگاه کیفری استان، به دیوان عالی کشور تجدیدنظرخواهی نماید، و از این جهت، قرار رد تجدیدنظرخواهی شد.

عنوان اتهام مطرح شده توسط شاکی

حمید اسدی (دبیر جلسه)

در قسمت پایانی رأی دادگاه کیفری استان آمده است: «درخصوص اتهام نامبردگان، دایر به: ارتباط نامشروع قبل از ازدواج، نظر به شکایت شاکی...»؛ درحالی که شکایت شاکی صرفاً بر پایه عدم تعلق فرزند دختر به وی استوار بوده است. البته شاید مواردی در پرونده بوده باشد که فعلاً در اختیار ما نیست. و اما پرسش اینجاست که: آیا شکایت شاکی درخصوص رابطه نامشروع همسر سابقش بوده که به شکایت وی (شاکی) استناد شده است؟

دکتر محمدی کشکولی

آغاز رسیدگی به این پرونده، با شکایت شاکی (همسر متهمه) در دادگاه پیشوا بود و عنوان اتهام مطرح شده در پرونده، رابطه نامشروع غیر از زنا بوده است که بعد از جمع‌آوری دلایل در مرحله تحقیقات مقدماتی، دادگاه مزبور بدین استنباط رسیده که ادعای او زنا محصنه بوده است. از این لحاظ وی در پرونده، شاکی و ذی‌نفع بود.

مرجع صالح برای رسیدگی به ادعای زنا محصنه و دعوای نفی ولد

رسیدگی و تحقیقات مقدماتی در جرایم منافی عفت باید مستقیماً در دادگاه صورت گیرد و ورود دادسرا به چنین پرونده‌هایی ممنوع است،^۱ لذا با وجود اینکه «رابطه نامشروع» در پی تحقیقات مقدماتی، تغییر عنوان اتهامی یافت بازپرس، وارد رسیدگی نشد و دادرس در مقام جانشین وی (بازپرس)، اقدام به بازپرسی نمود. از بدو تشکیل پرونده، عنوان اتهامی «رابطه نامشروع غیر از زنا» مطرح شده بود، اما

۱. تبصره ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۷۸) مقرر می‌دارد: «تحقیق در جرایم منافی عفت، ممنوع است؛ مگر در مواردی که جرم، مشهود باشد و یا دارای شاکی خصوصی بوده، که در مورد اخیر، توسط قاضی دادگاه انجام می‌گیرد».

بعد از رسیدگی، عنوان مزبور به «زنا محصنه» تغییر یافت و از این حیث، قرار عدم صلاحیت صادر گردید^۱ و دادگاه کیفری استان، رسیدگی را آغاز کرد.

مستندات حکم به رابطه نامشروع

حمید اسدی

آیا حکم به داشتن ارتباط نامشروع، مستند به اقرار متهمین می‌باشد؟ در صورت پاسخ مثبت، چرا این اقرار در مستند رأی ذکر نشده است؟

دکتر محمدی کشکولی

در مواردی که شاکی از ارائه ادله ناتوان است دادگاه، خود به تحقیق و کشف دلایل می‌پردازد و در نهایت، به علم خویش استناد می‌کند.

همان‌گونه که در دادنامه هم آمده است متهمین در تمام مراحل تحقیقات، منکر رابطه بودند اما متهمه در یک مرحله از آشنایی خود با متهم ردیف دوم، مدعی شده بود: چون شوهرش معتاد بود در فرآیند ترک اعتیاد با خانواده او آشنا شده ضمن آنکه به واسطه رابطه همسایگی نیز با همسر و مادر این فرد آشنایی داشته است و حتی اقرار ادعای او (متهمه) که «من چون از حمام آنها استفاده کردم در منزل متهم حامله شدم» و مواردی از این دست، موجب علم قاضی شد که تنها کلیاتی از آن در رأی آمده است.

اختیارات و وظایف قاضی در رسیدگی به جرایم شرعی (سیاست بزه‌پوشی

در جرایم منافی عفت)

دکتر کوشا

حال، پرسشی که در اینجا مطرح می‌گردد اینک: طبق موازین شرعی در مسائلی چون زنا، قاضی به‌منظور رسیدگی و تحقیق جهت صدور حکم دارای چه اختیارات و وظایفی است؟ در پاسخ بدین سؤال باید اذعان نمود که برای انجام

۱. طبق تبصره ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (مصوب ۱۳۸۱) «رسیدگی به جرایمی که مجازات قانونی آنها قصاص نفس، قصاص عضو، رجم، صلب، اعدام و یا حبس ابد است و همچنین رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی، به نحوی که در مواد بعدی ذکر می‌شود در دادگاه‌های کیفری استان به عمل خواهد آمد».

تحقیقات وسیع درباره مسائل خلاف عفت و اخلاق عمومی، با ممنوعیت شرعی مواجه هستیم. به عبارتی، سیاست شارع در مقوله جرایم جنسی، توصیه به «بزه‌پوشی» است؛ چنانکه طبق روایات واصله، پیامبر عظیم‌الشأن اسلام و حضرت علی(ع) - از آنجا که فرصت حکومت و قضاوت یافته بودند - همواره نسبت به جرایم منافی عفت، بزه‌پوشی می‌کردند. حتی بنا به روایات، افرادی نزد آنها به زنا اقرار می‌کردند و خواستار جاری ساختن حد بر آنان می‌شدند اما معصومین(ع) به‌ویژه پیامبر(ص) و امام علی(ع) درباره این مسائل آنها را به سکوت توصیه و دعوت می‌کردند، زیرا این جرایم در اصطلاح «بینی و بین الله» است و نباید در جامعه اشاعه یابد.

طبق روایتی، به پیامبر خبر دادند شخصی در خرابه‌ای در حال زناست. ایشان سه نفر را فرستادند. آن سه تن، مخفیانه صحنه را دیدند. سپس مشاهدات خود را به پیامبر بازگو کردند. حضرت برای جویا شدن شهادت نفر چهارم، حضرت علی را فرستادند. حضرت هنگام نزدیک شدن به صحنه، با هدف ایجاد صدا پاهای خود را روی زمین می‌کشیدند؛ بعد از رسیدن به خرابه، متوجه فرار آنها شدند. نزد پیامبر آمدند و فرمودند: یا رسول‌الله! من چیزی ندیدم.

براساس این سیاست، قانون آیین دادرسی کیفری کشور ما انجام تحقیقات درخصوص جرایم خلاف عفت و اخلاق عمومی را در کلانتری‌ها و دادسراها ممنوع می‌کند، زیرا کندوکاو در خلوت و حریم خصوصی افراد، نوعی اشاعه فحشا به حساب می‌آید.

نظام ادله قانونی و نظام اقناع وجدانی

یکی از سؤالاتی که در این پرونده پیش می‌آید این است که: آیا در نظام کیفری ما قاضی کیفری حق دارد درمورد زنا از ادله قانونی به سیستم اقناع وجدان قضایی گرایش پیدا کند و براساس آن، به دلایل علمی روی آورد؟

دیدگاه‌های مربوط به ارزش دلایل

در رسیدگی به این پرونده، دو دیدگاه یا رویکرد وجود دارد: یکی آنکه، دلایل اثبات دعوا منحصر در دلایل قانونی است؛ چنانکه پیامبر(ص) فرمودند: «من بین شما

با بینه و سوگند رأی می‌دهم»^۱ و شاید نظام دادرسی اسلامی، سیستم دلایل قانونی را براین اساس پذیرفته باشد؛ یعنی دلیل و اعتبار و ارزش آن از ابتدا مشخص است و قاضی باید تلاش کند دلایل قانونی (اقرار و بینه) را که در نظام دادرسی اسلامی موضوعیت دارند، بیابد و در صورت نبود این دو، حکم برائت صادر نماید.

رویکرد دوم این است که قاضی کیفری در نظام دادرسی، به دلایل قانونی توجه کند، اما این دلایل صرفاً راهی باشد تا برای او اقناع وجدان قضایی حاصل گردد؛ بدان معنا که قاضی از مجموعه محتویات پرونده (اقرار، شهود، اظهارات مطلعین، معاینه محل، تحقیقات محلی، شکایت شاکی، نظر کارشناسان و اوضاع و احوال و مستندات و سایر دلایل موجود در پرونده) قانع شود که شخص، مرتکب جرم شده و یا نشده است.

اعتبار دلایل علمی در سیستم ادله قانونی

گاهی ممکن است افراد اقرار نکنند و شهودی هم وجود نداشته باشد و فقط یک دلیل علمی ارائه شده باشد. در این پرونده، شاکی مدعی است: «همسر من، با کسی رابطه داشته و از او بچه‌دار شده است، لذا بچه‌ای که شناسنامه‌اش به نام من صادر گردیده، فرزند من نیست». در این مورد، شاهدی وجود ندارد و متهمین هم به ارتباط نامشروع اقرار نمی‌کنند. پس قاضی براساس نظام ادله قانونی، علمی حاصل نمی‌کند. از طرفی امروزه، تکنولوژی نوین در بحث کشف جرایم وارد شده است. آزمایش «DNA»، از دلایل علمی جدیدی است که در تعیین هویت ژنتیکی کاربرد دارد، اما سؤال اصلی این است که: آیا می‌توان تعیین هویت ژنتیکی فرد را به نظر کارشناس ارجاع داد؟ بدین صورت که اگر متخصص ژنتیک گفت فرزند، متعلق به آن شخص است، ملحق به او شود؟ و سؤال دیگر اینکه: اگر اعتبار این دلیل علمی برای ما ثابت شود طریقت دارد یا موضوعیت؟ اینجا است که موضوعی میان‌رشته‌ای مطرح می‌شود: حقوق پزشکی و حقوق کیفری.

ساختار آزمایش DNA و میزان اعتبار آن

دکتر قره‌داغی

بدن انسان با جثه‌های متفاوت - چه درشت و چه ریز - ، از 10^{23} یا 10^{25} سلول - این موجودات زنده - تشکیل شده است که ضمن داشتن جاذبه و دافعه و حد و

۱. «إِنَّمَا أَقْضَى بَيْنَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَالْأَيْمَانِ».

آزمایش DNA

امروزه انسان، این نردبان ژنتیکی را در جاهای خاصی قیچی می‌کند؛ آن را تکثیر، و مورد بررسی قرار می‌دهد. اگر در موردی، ماده ژنتیکی را بگیریم و جاهای خاصی از آن را تکثیر کنیم حاوی کدهای مشخصی خواهد بود که روی کارت ژنتیکی نمایش داده می‌شود. بعد از این، اگر هر تکه از سلول فرد، لکه خون و غیره را تکثیر و مقایسه کنیم در صورتی که همان کدها به دست آید بی‌تردید تمام آن اجزاء، متعلق به صاحب کارت ژنتیکی است، ولی در صورت نبود این کارت، راه رسیدن به این کدها پدر و مادر هستند. البته این شیوه مانند روش قبل، مستقیم و آسان نیست چون ممکن است هریک از کدها را از پدر یا مادر گرفته باشد. در نبود پدر و مادر نیز می‌توان به سراغ برادرها و خواهرها رفت ولیکن کار دشوارتر می‌شود. در مورد این پرونده، جاهای خاصی از ماده ژنتیکی فرزند را تکثیر و مانند بارکد روی کاغذ، ترسیم می‌کنند. سپس ماده ژنتیکی مادر و پدر را تکثیر کرده، مقابل آن قرار می‌دهند. هر خطی که در بارکد رسم شده، حاصل تکثیر ماده ژنتیکی این فرزند است که یا از پدر گرفته است و یا از مادر. بررسی، به این ترتیب خواهد بود که در صورت مشاهده یک خط، هم در کارت ژنتیکی بچه و هم مادر، آن را کنار می‌گذاریم، و اگر یک خط در بچه باشد اما در مادر نباشد منتج بدین امر می‌گردد که آن را از پدر أخذ کرده است. پس وجود هر خطی در بارکد فرزند - منهای آن در بارکد مادر - و نیز در بارکدهای حاصل از تکثیر ماده ژنتیکی آقا، وی، پدر این فرزند شناخته می‌شود چون أخذ آن از جای دیگر غیرممکن است.

میزان اطمینان بخشی آزمایش DNA

وضعیت توضیح داده شده، کاملاً قطعی است، ولیکن در هر روشی احتمال خطای انسانی وجود دارد؛ برای مثال، در این پرونده، ممکن است به‌طور اتفاقی اسم‌های نمونه‌های گرفته شده، عوض شود و به این ترتیب، به شخصی که پدر است، بگوییم نیست و به دیگری که پدر نیست، بگوییم هست، ولی اگر این روش به‌درستی و بی‌هیچ خطایی انجام شود تقریباً صددرصد قابل اعتماد و استناد خواهد

مرز مشخص، هرکدام وظیفه و مسئولیت خاص خود را دارند. سلول‌ها - به غیر از گلبول‌های قرمز - دارای هسته‌ای هستند که حاوی یک ماده ژنتیکی است. بنابراین هر نمونه‌ای که از هر قسمت بدن ما برداشته شود دارای آن ماده ژنتیکی خواهد بود.

تمام سلول‌ها به غیر از دو سلول اسپرم در مرد و تخمک در زن، سلول‌های غیرجنسی محسوب می‌شوند. این دو سلول خاص، متفاوت از بقیه سلول‌ها هستند؛ به این صورت که ماده ژنتیکی موجود در سلول‌های انسان به شکل ۲۳ جفت با اندازه‌های مختلف و شکل‌های بسیار متفاوت هستند و جفت ۲۳ در زن و مرد متفاوت است که جنسیت را تعیین می‌کند، اما دیگر جفت‌ها مشابه یکدیگرند. استثنائاً تخمک و اسپرم، به جای ۲۳ جفت، ۲۳ واحد دارند. البته منظور از آن ۲۳ کروموزوم است نه ۲۳ ژن. هنگام ترکیب این دو (اسپرم و تخمک) با یکدیگر دوباره ۴۶ واحد یا ۲۳ جفت تشکیل می‌شود. به عبارتی تمام سلول‌های بدن ما انسان‌ها که از این سلول ایجاد خواهند شد از یک اسپرم با ۲۳ کروموزوم و یک تخمک با ۲۳ کروموزوم ایجاد می‌شوند. بنابراین، ماده ژنتیکی انسان به‌گونه‌ای است که نصف را از پدر و نیمی دیگر را از مادر کسب می‌کند. اسپرم و تخمک برای تمام خصوصیات ژنتیکی ما انسان‌ها یک ژن دارند؛ ژنی برای رنگ چشم، رنگ مو، قد، رنگ پوست و غیره، لذا با کنار هم قرار گرفتن اینها، ویژگی‌های ژنتیکی فرزند مشخص می‌شود.

ساختار DNA

ساختار این ماده ژنتیکی، بسیار پیچیده است و واحدهای بسیار زیادی در سلول انسان دارد. DNA، شبیه نردبانی است که از چهار پله ساخته شده است و از بالا به پایین، به صورت یک، دو، سه و چهار می‌باشد. مقابل یک، همیشه دو، و مقابل سه، همیشه چهار قرار می‌گیرد و از آنجاکه هیچ محدودیتی ندارد ممکن است هزار تا یک، در یک ردیف پشت سر هم قرار گیرند و در مقابل، هزارتا دو، در برابر آن. چنین ساختار و ترکیبی همچون نردبانی است که می‌توان آن را از وسط باز کرد (نظیر وضعیتی که ماده ژنتیکی سلول‌های جنسی دارند) و با ریختن یک و دوها در محیطی، یک‌ها که شناورند در مقابل ستون دوها قرار می‌گیرند و بالعکس دوهای شناور هم به ستون یک‌ها می‌چسبند و عملاً کپی‌برداری می‌شود.

بود؛^۱ چنانکه اثر انگشت نیز این‌گونه است؛ یعنی احتمال اینکه اثر انگشت دو نفر مانند هم باشد یک در ۶۴ میلیارد است ولی صفر نیست. احتمال وقوع اشتباه در این آزمایش هم نزدیک به صفر می‌باشد. اگر DNA فرد را با برادرها، عموزاده‌ها و یا خویشان دورتر مقایسه کنیم این احتمال، قوی‌تر می‌شود، چون باید حالت‌های مختلفی را برای آن تصور کرد، اما در این روش که آزمایش به شیوه مستقیم انجام می‌گردد دور از ذهن است که درست و صحیح نباشد.

طول مدت انجام آزمایش

حمید اسدی

پرونده در تاریخ ۸۷/۱/۲۴ به پزشکی قانونی ارجاع شده است، اما نتیجه آزمایش در تاریخ ۸۷/۷/۲۹ مشخص گردیده. آیا این آزمایش تا این حد، زمان‌بر است؟

دکتر قره‌داغی

هرچند خود آزمایش و فرآیند آن اندکی زمان‌بر و طولانی است ولی اینکه چنین آزمایشی در تمام این مدت انجام شده باشد، این‌گونه نیست بلکه به دلیل محدودیت دستگاه‌ها یا دلایل دیگری، به طول انجامیده است.

قاعده عمل پزشکی قانونی در انجام آزمایش DNA

حمید اسدی

آیا از نظر قانونی، تنها در مواردی مجاز به انجام این آزمایش هستید که از طرف مقام قضایی به شما ارجاع شده باشد؟

دکتر قره‌داغی

درمورد آزمایش‌های ژنتیک، تنها موردی که بدون درخواست مقام قضایی قبول می‌کردیم درخواست اثبات بکارت دخترانی بود که به همراه والدینشان مراجعه می‌نمودند که البته این موضوع، به چند سال قبل مربوط می‌شود و در حال حاضر مجاز به پذیرش نیستیم. بنابراین، پاسخ‌گوی هیچ سؤالی غیر از سؤال مقام قضایی نیستیم.

لزوم تفکیک جنبه حقوقی و کیفری پرونده

دکتر بهره‌مند

این پرونده مشتمل بر دو بحث است: (۱) بحث حقوقی؛ (۲) بحث کیفری. از طرفی، با بحث «نسب» روبرو هستیم. آقای شکیات می‌کند که همسرش با دیگری رابطه نامشروعی داشته و فرزند حاصله، فرزند او نیست؛ یعنی فرزند را از خود نفی می‌کند که این بحث، امری است حقوقی و اما بحث کیفری پرونده هم این است که شکی، اتهام زنا را متوجه همسرش و دیگری می‌کند. در این پرونده، ابتدا بحث رابطه نامشروع مطرح بود ولی پس از تحقیقات مقدماتی، عنوان اتهام به زنا تبدیل می‌شود که در صلاحیت دادگاه کیفری استان قرار می‌گرفته و نهایتاً نیز همین دادگاه رسیدگی کرده است.

تفاوت اعتبار ادله در مسائل حقوقی و کیفری

استانداردهایی که درباره ادله اثبات، در امور حقوقی و کیفری وجود دارد یکسان نیست. ممکن است با یک دلیل بتوان بحث حقوقی را اثبات نمود ولی یک امر جزایی با همان دلیل، قابل اثبات نباشد.

به‌طورقطع، اقرار، هم در دعوی حقوقی پذیرفته می‌شود و هم در دعوی کیفری. برای نمونه، فردی اقرار می‌کند مرتکب سرقت شده، اموال دیگری را سرقت کرده است. اینکه با یکبار اقرار، حد سرقت ثابت نمی‌شود امری است بدیهی، اما این فرد، مکلف است مال مسروقه را عودت نماید و یا معادل آن را به طرف مقابل بپردازد.^۱

محصور بودن ادله اثبات زنا به دلیل حساسیت بالای شارع در جرایم منافی عفت

در جرایم منافی عفت، سیاست بزه‌پوشی مدنظر شارع و به تبع او قانونگذار بوده است، لذا شاید بتوان نفی ولد را با این آزمایش کشف کرد ولی نمی‌توان جرم زنا را با همین دلیل اثبات نمود. باید گفت ادله اثبات جرم زنا مشخص و محصور است:

(۱) اقرار

۱. در تبصره ماده ۱۹۹ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰) آمده است: «اگر سارق، یک مرتبه نزد قاضی اقرار به سرقت کند باید مال را به صاحبش بدهد اما حد بر او جاری نمی‌شود». و نیز در تبصره ماده ۱۷۲ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) بیان شده: «برای اثبات جنبه‌های غیرکیفری کلیه جرایم، یکبار اقرار کافی است».

۱. جهت مطالعه تخصصی نک: حسن توفیقی و دیگران، «کارایی DNA TYPING»، به عنوان روش قطعی تعیین رابطه نسبیت، «مجله پزشکی قانونی»، ش ۱۸ (بهمن و اسفند ۱۳۷۸).

(۲) بیّنه

(۳) علم قاضی که قوی‌ترین دلیل هم می‌باشد.^۱**جایگاه آزمایش DNA فرزند در اثبات زنا****حمید اسدی**

با توجه به اینکه انجام این آزمایش، بسیار هزینه‌بر و دشوار است و در عین حال، نتایج آن، اطمینان‌بخش، اگر تشخیص پدر واقعی از جواب این آزمایش، زنا می‌محصنه را اثبات نمی‌کند پس لزوم درخواست در این موارد، چه خواهد بود؟

دکتر بهره‌مند

این آزمایش مشخص می‌کند که آن فرزند، منتسب به دیگری است بی‌آنکه این امر در حوزه زنا بگنجد زیرا زنا، رابطه‌ای است جنسی با تعریفی خاص. بنابراین ممکن است دو نفر با یکدیگر رابطه نامشروع داشته باشند و حاصل آن، تولد فرزندی باشد ولی زنا محسوب نشود.

در این پرونده، دادگاه، موضوع را بررسی کرد و با اینکه آزمایش DNA اثبات نمود، ولد، منتسب به شوهر سابق نیست، قاضی برای اثبات زنا به علم خود استناد نکرد. کما اینکه مفاد ماده ۷۳ ق.م.ا. (مصوب ۱۳۷۰) هم گویای همین مطلب می‌باشد. ممکن است صرفاً رابطه نامشروعی وجود داشته باشد یا اسپرم به نحو دیگری، به رحم منتقل شده و جنین، شکل گرفته باشد. پس اینکه ولد منتسب به چه کسی است لزوماً به معنای اثبات رابطه کیفری زنا نیست؛ یعنی جزو ادله اثبات جرم حد نمی‌گردد.

جایگاه علم قاضی

در پرونده مزبور، قاضی درباره وقوع جرم زنا علم پیدا نکرده است. بنابراین، می‌توان ادله قانونی زنا (عدم وجود اقرار و شاهد) را مدنظر قرار داد. اگر قاضی در مورد آن، به علم می‌رسید ممکن بود این آزمایش، یک اماره محسوب شود. آنگاه قاضی می‌بایست اذعان می‌مود: «من به علم رسیدم که این دو نفر با هم زنا کردند». در این صورت با ذکر این مطلب (من با چشم خود مشاهده کردم)، مستند علم خود را بیان می‌کرد.

۱. ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰) مقرر می‌دارد: «حاکم شرع می‌تواند در حق الله و حق الناس، به علم خود عمل کند و حتا الهی را جاری نماید و لازم است مستند علم را ذکر کند...».

توضیح آنکه قاضی در صورتی می‌تواند از پیشرفت تکنولوژی، نظیر بحث تصاویر ضبط‌شده و سایر ادله استفاده نماید که به علم خود استناد کرده باشد و رابطه زنا را محرز بداند مشروط بر اینکه آن علم، برایش حاصل شود.^۱ در پرونده مشاهده می‌شود که شاکی بیان کرده: «خانم در میان خانواده و همسایه‌ها گفته است با فلانی رابطه داشته» یعنی آنجا هم اقرار به زنا یا رابطه نامشروع داشته است. (هرچند این موضوع در جای خود قابل بحث است). مقصود آنکه حتی با چنین اقراری هم نمی‌توان حکم به اثبات زنا داد، لذا به نظر من، رأی به‌درستی صادر گردیده است.

رویکرد قانون جمهوری اسلامی ایران در ارزیابی ادله**دکتر محمدی کشکولی**

رویکرد قانون جمهوری اسلامی در نظام‌های ادله اثبات کیفری، بر مبنای هر دو مورد پذیرش دلایل قانونی و سیستم اقرار وجدان قضایی است؛ و البته دلایل قانونی صرفاً در جرایم حدود و قصاص وجود دارند که قانونگذار آنها را احصاء کرده است، اما در اینکه آیا این ادله موضوعیت دارند یا طریقت، اختلاف نظر وجود دارد. برخی بر این باورند دلایل قانونی در حدود و قصاص، موضوعیت دارد و عده‌ای هم به دکتترین حقوق جزا معتقدند چون سیستم نظام حقوقی کشورمان سیستم مختلطی از حقوق عرفی و اسلامی است. بنابراین باید مانند استادانی چون «دکتر آخوندی» قائل به این امر بود که نظام کیفری ما از سیستم دلایل آزاد پیروی کرده است. به هر حال، این یک بحث نظری است.

شرایط ارجاع طرفین یک پرونده به آزمایش DNA**حمید اسدی**

قضات، چه مواردی را برای این آزمایش ارجاع می‌دهند؟ آیا صرف درخواست شاکی و ادعای وجود ارتباط نامشروع کافی است یا نیازمند امارات و قرائن دیگری هستند؟

۱. طبق تبصره ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) «مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم آور باشند می‌تواند مستند علم قاضی قرار گیرد. در هر حال، مجرد علم استنباطی که نوعاً موجب یقین قاضی نمی‌شود، نمی‌تواند ملاک صدور حکم باشد».

دکتر محمدی کشکولی

این گونه نیست که به صرف ادعای انجام عمل نامشروع، ارجاع به پزشک قانونی و انجام آزمایش DNA ضرورت داشته باشد. پس از تشکیل پرونده و بنا به اقتضای اوضاع و احوال آن، قاضی تصمیم به ارجاع به پزشکی قانونی می‌گیرد. در این پرونده، همسر سابق متهمه ضمن آنکه ادعای نفی ولد را مطرح نموده، مدعی شده، وی با متهم، رابطه نامشروع داشته است. و برای ادعای خود دلایلی چون اقرار برادر متهمه، و نیز خود متهم ردیف دوم بیان کرده است. البته با اقرار متهم مزبور به داشتن چنین رابطه‌ای، در نزد شاکی و برادر متهمه، شهادت بر شهادت تلقی می‌شود. این گواه بر گواه در جرایم حدود و قصاص و مجازات‌های بازدارنده، در لایحه جدید به رسمیت شناخته نشده.^۱ بنابراین تنها راهکار باقیمانده در این موضوع، آزمایش ژنتیک است. تحقیقات مقدماتی به‌ویژه تحقیقاتی که از برادر خانم (متهمه) صورت گرفته و اظهاراتی که خود خانم در محل و میان بستگان و خویشان مطرح کرده نیز دلالت بر صحت ادعای آقا داشته است. یک قرینه قوی‌تر اینکه بعد از طلاق، زندگی مشترکی را با متهم ردیف دوم آغاز نموده. این موارد، قرائن و اماراتی بوده که ضرورت ارجاع به پزشکی قانونی را ایجاد کرده است.

بررسی ادعای زنا و رابطه نامشروع

حمید اسدی

در قسمت پایانی رأی مشاهده می‌کنیم: «درخصوص اتهام نامبردگان، دایر به: ارتباط نامشروع قبل از ازدواج، نظر به شکایت شاکی و محتویات پرونده به شرح ذیل، اتهام داشتن رابطه نامشروع دون زنا، محرز و مسلم است». دلیل اثبات این رابطه چه بوده است؟ اقرار یا علم قاضی؟ اگر علم قاضی بوده، مستندات علم قاضی که این رابطه نامشروع را اثبات کرده است، چیست؟

دکتر محمدی کشکولی

شاید تعریف زنا توسط قانونگذار به مفهوم حقوقی آن کامل نباشد ولی مصادیق آن را تقریباً کامل بیان کرده است، چه عمل مجرمانه‌ای می‌تواند زنا تلقی شود. در این

۱. مطابق ماده ۱۸۹ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) «جرایم موجب حد و تعزیر، با شهادت بر شهادت اثبات نمی‌شود لکن قصاص و ضمان مالی با آن قابل اثبات است».

پرونده دو نفر با هم رابطه جنسی داشتند ولی در حد زنا که مورد تعریف قانونگذار باشد، نبوده است و البته آن رابطه منجر به بارداری خانم و همچنین تولد فرزند شده. در ابتدا شاکی با توجه به تولد فرزند، مدعی شد که رابطه متهمین، زنا بوده است. پرونده به پزشکی قانونی ارجاع داده شد و پزشک قانونی هم ضمن تأیید تعلق بچه به متهم، سه بار به‌صراحت اعلام داشته متهمه حتی در زمان بارداری هم از زنا بکارت نشده بوده و این اتفاق به هنگام تولد فرزند رخ داده است. گذشته از اقرار متهم بدین موضوع، دادگاه به بررسی آن پرداخت.

در مباحث کیفری مخصوصاً در امر زنا، اقرار، «طریقیقت» دارد و نه «موضوعیت».^۱ برای مثال، در این پرونده، اقرار صورت گرفته ولی بعد از محقق شدن نتیجه کمیسیون پزشکی قانونی و تفهیم اتهام، مشخص گردید که رابطه در حد تقبیل و مضاجعه بوده و زنا بی انجام نگرفته است.

اهمیت و فایده کیفری نظریه پزشکی قانونی

در نظام کیفری کشورمان، نظریه پزشکی قانونی طریقیقت دارد لذا دلیل محسوب نمی‌شود؛ هرچند در قانون فرانسه و احتمالاً انگلستان، یکی از دلایل اثباتی جرم تلقی شده است. در بعضی مواقع، اگر برای اثبات زنا هم باشد ممکن است در نهایت مورد استناد دادگاه قرار نگیرد. حتی طبق رویه قضایی در قتل هم، نظر پزشکی قانونی، دلیل اثباتی قتل نیست، بلکه تنها می‌تواند به‌عنوان قرائن و اماراتی باشد که مستند علم قاضی قرار می‌گیرد.

یکی از راه‌های ثبوت جرایم کیفری به‌ویژه جرایم حدی، علم قاضی است که موضوع مقررات ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی می‌باشد. قانونگذار طبق این ماده پذیرفته است که در حق الله هم می‌توان با علم قاضی حکم داد.^۲ بنابراین باید قرائن و اماراتی باشد که مستند علم قاضی قرار گیرند.

۱. قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) در ماده ۱۶۱ اعلام می‌دارد: «در مواردی که دعوای کیفری با ادله شرعی، از قبیل اقرار و شهادت - که موضوعیت دارد - اثبات می‌شود، قاضی به استناد آنها رأی صادر می‌کند؛ مگر اینکه علم به خلاف آنها داشته باشد». همچنین ماده ۲۱۲ می‌گوید: «در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر، در تعارض باشد اگر علم بین باقی بماند، آن ادله برای قاضی، معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر، رأی صادر می‌کند. چنانچه برای قاضی، علم حاصل نشود ادله قانونی، معتبر است و براساس آنها رأی صادر می‌شود».

۲. این ماده در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) معادلی ندارد، بلکه در بخش ادله اثبات در امور کیفری، تحت عنوان «علم قاضی» به صورت عام، مورد بررسی قرار گرفته است.

مستند حکم به رابطه نامشروع

در پرونده حاضر، اگر متهمه با متهم ازدواج نکرده بود می‌شد به علم استناد کرد بی‌آنکه به رابطه نامشروع حکم داد، اما صرف ازدواج این خانم با متهم، با توجه به قوانین فقهی ما شائبه‌ای است که باعث شد قضات نتوانند به علم قاضی استناد کنند. به هر حال در نظام کیفری ما، نظریه پزشکی قانونی، «طریقیت» دارد و به‌عنوان دلیل قانونی محسوب نمی‌شود.

استناد به ماده ۷۳ (بارداری دختر باکره، دلیل بر زنا نیست)

دکتر کوشا

استناد به ماده مزبور (۷۳) صحیح نیست، زیرا متهمه، باکره نبوده است. بحث فقهی آن - که در کتاب فقهاء مطرح شده - بیشتر مربوط به زمان قدیم است و در حال حاضر در ایران منسوخ شده. به این صورت که در گذشته، حمام‌های زنانه و مردانه یکی بوده؛ از آنجا که مردان در حمام، خوب نظافت نمی‌کردند و دوشیزه‌ای فردای آن روز به حمام می‌رفت و برای انجام شستشو به زمین می‌نشست، ممکن بود اسپرم، وارد بدن او شده و حامله شود. بنابراین، ممکن است به متهمه القاء کرده باشند که مسئله حمام را مطرح کند، زیرا بسیار بعید به نظر می‌رسد که فردی در خانه دیگری به حمام رود.

سیاست بزه‌پوشی و لزوم احتیاط در نسل

من بر این باورم که سیاست قضایی بزه‌پوشی، امری است پسندیده، ولی مسئله‌ای که نباید فراموش کرد وجود ولد زنا در جامعه است. و آن موضوعی نیست که بتوان در آن، تسامح روا داشت. در صورت اثبات زنا، زنا، زنا، محصنه است، چون متهم، زن دارد و متهمه هم شوهر. وقتی گفته می‌شود زنا، زنا، رخ نداده بدان معناست که زنا به معنای خاصی که جرم تلقی گردد انجام نشده؛ یعنی واقعه و دخول صورت نگرفته، اما تکلیف آن کودک، چه خواهد شد؟ حال آنکه مشخص شده کودک متعلق به آن مرد (متهم) می‌باشد و تولد وی زمانی رخ داده است که این زن (متهمه)، شوهر داشته. بنابراین، باکرگی وی منتفی می‌گردد.

وضعیت فرزند حاصل از رابطه نامشروع دون الزنا**دکتر محمدی کشکولی**

راهکاری که قضات معمولاً برای تعیین تکلیف فرزند نامشروع (ولدالزنا) انجام می‌دهند تا بتواند به عنوان یک شهروند دارای شناسنامه گردد و در جامعه از حقوق اجتماعی‌اش بهره‌مند شود، این است که مشخص کنند حضانت طفل برعهده چه کسی است. در صورت عدم پذیرش وی، به بهزیستی سپرده می‌شود و صورت‌مجلس می‌گردد. وضعیت نماینده ولد را هم مشخص، و صورت‌مجلس می‌نمایند و به‌عنوان دلیل بر پرونده ضمیمه می‌کنند تا بعداً بتواند از طریق طرح دعاوی مدنی، اثبات نسب نماید.

البته تجربه شده است در مواردی که رابطه دو طرف، در حد زنا نبوده و خانم بدون ازاله بکارت حامله شده است، طرفین ولد را پذیرفتند و برای وی شناسنامه گرفتند و سپس، به صدور حکم، مبادرت گردیده است. بنابراین، قانونگذار راهکار خاصی برای این مسئله در نظر نگرفته و صرفاً برای اینکه فرزندان نامشروع (ولدالزنا) در جامعه رها نشوند و مشکلی ایجاد نگردد یک سیاست قضایی در پیش گرفته است و آن اینکه از آنها با اثبات نسب، حمایت نماید، لذا باید دادخواست اثبات نسب دهند. در ۹۰٪ موارد، نسب آنها اثبات می‌شود و اغلب آنان مورد حضانت و حمایت قرار می‌گیرند اما در صورت عدم پذیرش در نگهداری چنین کودکانی، دادگاه حضانت آنان را بر عهده سازمان بهزیستی قرار می‌دهد.

رضایت طرفین برای انجام آزمایش DNA**دکتر کوشا**

سؤالی که به ذهن متبادر می‌شود اینک: از منظر حقوق بشر آیا این آزمایش‌ها نیازمند رضایت‌مندی فرد مورد نظر است یا خیر؟ ممکن است گفته شود از آنجا که متهم در مظان اتهام است نیازی به رضایت وی نیست ولی از منظر دیگری، آزمایش DNA، تصرف در تمامیت جسمانی این شخص است. بنابراین آیا برای انجام چنین آزمایش‌هایی، رضایت فرد لازم است یا خیر؟

دکتر محمدی کشکولی

در اعمال این‌گونه آزمایش‌ها دو رویه متصور است: الف) گاهی طرفین انجام این آزمایش را درخواست می‌کنند که این امر، فی‌نفسه نشان از رضایت‌مندی

آنهاست؛ ب) برخی مواقع قانونگذار به دادگاه اجازه می‌دهد که در صورت ضرورت، از ادله کارشناسی استفاده نماید؛ یعنی دادگاه مجاز است رأساً به کارشناس ارجاع دهد. در آیین دادرسی مدنی، مقررهای است مبنی بر اینکه هر کجا قاضی تشخیص دهد ادله کارشناسی با اوضاع و احوال قضیه مطابقت ندارد می‌تواند بپذیرد یا نپذیرد،^۱ اما این مقرر، در آیین دادرسی کیفری وجود ندارد، لذا می‌توان با توجه به وحدت ملاک از مقررات دادرسی مدنی، از این مورد در آیین دادرسی کیفری هم استفاده نمود و چون رویه قضایی و قانون اجازه داده است دادگاه می‌تواند در صورت ضرورت، رأساً به پزشکی قانونی ارجاع دهد.

تأثیر تغییر عنوان اتهام بر صلاحیت دادگاه کیفری استان

حمید اسدی

اگر شاکی به جای بیان ارتباط نامشروع و نفی ولد، از همان ابتدا مسئله زنا را مطرح می‌کرد آیا با توجه به نتیجه آزمایش پزشکی قانونی، مجدداً به ارتباط نامشروع حکم صادر می‌شد؟

دکتر محمدی کشکولی

در مورد برخی از موضوعات در دادگاه‌های کیفری استان، مقرر صریح قانونی وجود ندارد و بعضی شعب، طبق رویه سابق دادگاه جنایی استان عمل می‌کنند. در این زمینه، بین شعب، اختلاف نظر وجود داشت تا اینکه رأی وحدت‌رویه صادر شد و طبق آن، اگر دادگاه کیفری استان، مثلاً به اتهام زنا رسیدگی کند و به‌جای زنا، جرم رابطه نامشروع دون‌زنا ثابت گردید، در این صورت رسیدگی را ادامه می‌دهد و حکم را صادر می‌کند.^۲

البته همواره برخی قضات معتقدند رسیدگی به جرم رابطه نامشروع، مستلزم صدور کیفرخواست است، لذا پرونده را به دادسرا اعاده می‌کنند، هرچند قرار عدم صلاحیت صادر نمی‌نمایند ولی به دادسرا ارجاع می‌دهند تا تحقیقات انجام شود و پرونده با کیفرخواست به دادگاه بازگردد، اما رویه اغلب شعب این است که بدون کیفرخواست رسیدگی می‌کنند. و آن روشی است درست و صحیح.

لزوم تبیین دلایل احراز حکم

در این پرونده، دلایل کافی، مبنی بر وقوع رابطه نامشروع دون‌زنا موجود است؛ منتها نگارش رأی، چندان واضح و روشن نیست. - البته نگارش آن، بر عهده من نبوده است - برای مثال، در پرونده آمده است: با توجه به محتویات پرونده، این رابطه احراز می‌گردد. بدیهی است که بیان این عبارت، بدون ذکر دلایل و قرائن، نادرست و در محل اشکال می‌باشد ولیکن اصول رأی صادرشده، صحیح است.

مستند حکم به رابطه نامشروع

علاوه بر وجود اقرار، قرائن و اماراتی چون جواب آزمایش پزشکی قانونی هم در اختیار بوده که موجب ایجاد علم، مبنی بر وقوع جرم شده است، لذا دادگاه می‌تواند هم از دلایل مستقیم (اقرار) و هم از دلایل غیرمستقیم (نظریه پزشکی قانونی) استفاده نماید. از سوی دیگر، شرایط و اوضاع و احوال (شکایت شاکی و اقرار تلویحی خود متهمه) مندرج در پرونده حاکی از این ادعاست که به منزل آن مرد (متهم) و حتی طبق گفته خود در آنجا به حمام رفته است. همه موارد مزبور، برخلاف عرف جامعه و موازین شرعی می‌باشد و مجموع این شرایط و قرائن، موجب ایجاد علم قاضی شده و دادگاه مبادرت به صدور حکم نموده است.

رویه دادگاه‌ها درباره موارد ارجاع به آزمایش DNA

البته همه پرونده‌ها به چنین آزمایشی ارجاع داده نمی‌شوند بلکه فقط پرونده‌هایی که بحث بارداری زن، یا دعوایی چون نفی ولد در آنها مطرح باشد، ارجاع می‌شوند.

← مطرح گردد و دادگاه، پس از رسیدگی تشخیص دهد عمل ارتكابی، عنوان مجرمانه دیگری دارد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه عمومی جزایی است، این امر، موجب نفی صلاحیت دادگاه نخواهد بود و باید به این بزه، رسیدگی و حکم مقتضی صادر نماید...»

۱. ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «در صورتی که نظر کارشناس، با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی، مطابقت نداشته باشد دادگاه به آن ترتیب اثر نخواهد داد».

۲. رأی شماره ۷۰۹ - ۱۳۸۷/۱۱/۱ وحدت‌رویه هیأت عمومی: «... به نظر اکثریت اعضای هیئت عمومی دیوان عالی کشور در صورتی که یکی از اتهامات متهم، از جرایمی باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه کیفری استان است این دادگاه باید به اتهامات دیگر او نیز - که در صلاحیت دادگاه عمومی است - رسیدگی نماید. همچنین چنانچه بزه، به اعتبار ترتیب یکی از مجازات‌های مندرج در تبصره الحاقی به ماده ۴ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸، در دادگاه کیفری استان

ادله معتبر در اثبات زنا

نحوه ارتکاب فعل مجرمانه و دلایل و قرائن و اماراتی که ممکن است در پرونده وجود داشته باشد و همچنین نظریه پزشک قانونی - به عنوان یک اماره قوی - ممکن است مستند علم قاضی قرار گیرد و زنا اثبات شود.

علت عدم اثبات زنا

عدم اثبات زنا در این پرونده به این دلیل بود که متهمه ابتدا با همسر اول زندگی مشترک داشته، اما بعد از مدتی از هم جدا می‌شوند و این ادعا نیز زمانی مطرح می‌گردد که وی با متهم ردیف دوم ازدواج کرده است.

ادله مورد نیاز برای شروع رسیدگی در دادگاه کیفری استان

حمید اسدی

با توجه به رویه آیین دادرسی در دادگاه کیفری استان، آیا صرف طرح شکایت و اعلام این ادعا که همسر من در محفلی اقرار به رابطه نامشروع داشته، برای رسیدگی و صدور حکم کفایت می‌کند یا باید ادله دیگری نیز وجود داشته باشد؟

دکتر محمدی کشکولی

در پرونده مورد بحث، این امر (وقوع رابطه نامشروع) مشخص است. و شاکی هم از رابطه همسر خود با متهم تقریباً به یقین رسیده بود.

علت تأخیر در طرح شکایت

یقین شاکی به وقوع رابطه نامشروع، بعد از ازدواج دوم همسرش حاصل می‌شود؛ ضمن اینکه وجود شایعاتی در محل زندگی و تماس‌های متهم ردیف دوم مبنی بر اینکه فرزند متعلق به او (شاکی) می‌باشد باعث ورود شاکی به طرح شکایت شده است.

ساختار فیزیکی سلول‌های جنسی

دکتر قره‌داغی

اسپرم، سلولی است کاملاً متحرک، که تعدادی بسیار زیادی از آن در انزال دفع می‌شود. برای مثال، به طور معمول، مرد در هر انزال، حدود ۴۰۰ میلیون اسپرم

آزاد می‌کند که می‌توانند تا سه روز در دستگاه تناسلی زن، زنده بمانند؛ یعنی بعد از یک ارتباط، تا سه روز حیات دارند، ولی در یک محیط نامساعد (خشک) زود از بین می‌روند. این‌گونه نیست که در هر شرایط و هر مکانی که یک اسپرم وجود داشته باشد، این اتفاق رخ دهد. پرسشی که پیرامون آن قسمت از بحث مزبور مطرح می‌شود این است که: آیا بدون وجود رابطه در حدِ واقعه و انجام نزدیکی به معنای خاص آن، امکان حدوث حاملگی وجود دارد یا خیر؟

امکان حاملگی بدون وجود واقعه

در پاسخ باید گفت این مسئله از نظر پزشکی کاملاً قابل تصور است، زیرا رحم، شبیه لوله‌ای توخالی نیست که الزاماً اسپرم داخل آن قرار بگیرد. تمام سطح یک کیسه فریزر را در عین داشتن فضای زیاد (بی‌آنکه باز شده باشد)، می‌توان با دو قطره آب خیس نمود - بدون اینکه تمام آن را پر از آب کرد - ، لذا کاملاً متصور است که حاملگی، بدون نزدیکی رخ دهد؛ اسپرم‌ها متحرک هستند و می‌توانند در تماس با ترشحات رحم، داخل این مایع بروند و خود را به قسمت‌های بالاتر و زیرین و محل تخمک برسانند.

دکتر کوشا

البته از آنجایی که فضای حام‌های عمومی، همیشه مرطوب بود این امکان فراهم بوده که اسپرم‌ها حیات داشته باشند، اما این موضوع، بیشتر برای حام‌های عمومی قابل تصور است و به ندرت درباره حام‌های خانگی مطرح می‌شود.